

چشم‌انداز گفتمان احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت (مطالعه موردی: ترکیه^۱)

عارف عبدالله^۲

محمد رضا حاتمی^۳

عباسعلی رهبر^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳

چکیده



۳۱۱

اسلام سیاسی اصطلاحی ژرف می‌باشد که در قرن معاصر در برابر اسلام سنتی مطرح شده است. در این نگاه، اسلام به عنوان هویت مرکزی با نقش کارکردگرایانه در متن سیاست واقع می‌شود و نظم اجتماعی را با تمام ملزمومات آن نظر به پردازی می‌کند. این پدیده، امروزه صرفاً در حوزه انتخاب نیست، بلکه به‌واقع قابلیت‌های خود را در عمل سیاسی در کشورهای همچون ترکیه نشان داده است. در ترکیه اسلام سیاسی با توجه به متغیرهای اجتماعی، تاریخی، ایدئولوژیکی و هویتی دستخوش دگرگشی شده است که نمونه‌تام و تمام آن کودتای نافرجام ۱۶ جولای ۲۶/۲۰۱۶ تیر ۱۳۹۵ می‌باشد که پیامدهای داخلی و منطقه‌ای ژرفی را بر احزاب سیاسی اسلامی در ترکیه بر جای گذاشته است. با علم به کارکرد غیرقابل انکار احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت در ترکیه پرسشی که نگارندگان پژوهش پیش رو با رویکرد توصیفی - تحلیلی درصد پاسخ به چرا بای آن برآمده چنین ترتیب‌بندی شده است که گفتمان اسلام سیاسی چه جایگاهی را در مناسبات قدرت و ساختار حکومت ترکیه احراز کرده است؟ فرضیه‌ای که از معبر پرسش فوق مطرح شده ناظر بر آن است که گفتمان اسلام سیاسی در ترکیه خود را در پست مواردی همچون: تضاد طبقاتی و زوال اقتصادی؛ بحران مشروعيت دولت؛ بحران فرهنگ و نوسازی؛ ساختار مذهبی، قومی و رشد اسلام‌خواهی در جامعه؛ رشد و توسعه جامعه مدنی؛ بسط و تعمیق سکولاریسم در جامعه؛ متغیرهای بین‌مللی، اوزیلیسم و تضعیف کمالیسم افراطی، تحول سیاسی و تغییر موازنۀ قوا، ظهور حزب عدالت و توسعه و پیشبرد دموکراسی به منصه ظهور رسانده است. گفتمان مزبور کوشیده است تا تعریفی جدید از ارتباط اسلام و تجدد در جامعه ترکیه ارائه دهد و از این رهگذر به ساختاریندی مجدد نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور راهبردی مبادرت ورزد..

واژه‌های کلیدی: اسلام سیاسی، ترکیه، گفتمان، مناسبات قدرت، ساختار حکومت.

۱. برگرفته از رساله دکتری

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. aref.1396@chmail.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول) hatami5@yahoo.com

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. aa.rahbar@atu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱- جُستارگشایی

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، عصری جدید در تاریخ تحولات ترکیه به وجود آمد که از آن تحت عنوان «ترکیه مدرن»^۱ یاد می‌شود. دوره مذکور با روی کار آمدن «مصطفی کمال آتاטורک»^۲ آغاز شد. ظهور ترکیه مدرن همراه با تلاش برای به حاشیه راندن اسلام یا حذف کامل مؤلفه‌های آن، حتی از عرصه‌های خصوصی بود. این یورش به مبانی اسلامی سبب ایجاد جریان‌های اسلام‌گرا با اشکال مختلفی گردید که البته بر مبانی طریقتی رایجی در ترکیه استوار بود. از این‌رو، این دوره برخلاف دوره عثمانی، فراز و نشیب‌های مختلفی به‌خود دید که حول محور جدال «سنّت و تجدد»^۳ یا جدال «اسلام و سکولاریسم»^۴ می‌چرخید (علی‌حسینی و عربیان، ۱۳۹۶: ۱۳۴). با وجود آنکه امپراتوری عثمانی طی سالیان متعددی توانسته بود جامعه متکثری را تحت پوشش نظام سیاسی واحدی یکپارچه کند، ولی در اثر شکست‌های نظامی، مرد بیمار اروپا نتوانست رِدای اقتضایات دولت مدرن را بر تَن گُند و در مقابل امواج مدرنیته مقاومت نماید، از این‌رو دچار اضمحلال و فروپاشی شد (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

شایان ذکر است که ترکیه فعلی به‌عنوان بازمانده امپراتوری عظیم عثمانی، کشوری است که دارای سابقه و تمدن بسیار کهن و ریشه‌های عمیق اسلام می‌باشد. در آغاز حکومت آتاטורک دوره تجدد آمرانه و جدایی دین از سیاست را تجربه کرد. با این حال جریان اسلام‌خواهی و گرایش به اسلام در این منطقه با توجه به ریشه‌های عمیق آن از ثبات زیادی برخوردار بوده است. اسلام‌گرایان با گرایش به تشکیل دولت‌هایی که از نوع دولت‌های میانه‌رو هستند در صدد برقراری ثبات و امنیت در کشور خود با توجه به راهکارهای اصیل اسلامی هستند (ولایتی، ۱۳۸۳: ۳۵۰). در ترکیه، اسلام‌گرایان با گسترش حوزه نفوذ خود در عرصه‌های عمومی و استفاده از امکانات موجود جامعه؛ تشکیل مؤسسات اجتماعی؛ نهادهای خیریه؛ انجمن‌های صنفی و مدنی و احزاب سیاسی؛ فعالیت‌های اقتصادی و عُمق‌بخشی به نفوذ خود در بخش خصوصی؛ جلب اعتماد و نظر مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی؛ به نمایش گذاشتن سلامت اخلاقی و پاک‌دستی خود در انجام مسئولیت‌های اجتماعی؛ با



۳۱۲

تلیفه، نشر،
چهاردهمین
نمایشگاه
علمی-پژوهشی
پژوهشی بیان اسلام

1. Modern Turkey
2. Mustafa Kemal Ataturk
3. Tradition & modernity
4. Islam & Secularism

حضور در شوراهای شهر و اداره مطلوب شهر؛ در راهیابی به مجلس با رأی بالای مردم و در اختیار گرفتن دولت و ریاست جمهوری به تدریج راه خود را از پایین ترین سطوح اجتماعی تا بالاترین سطوح قدرت، با صبر و حوصله و تدبیر پیمودند (کشاورز شکری و احمدوند، ۱۳۹۲: ۱۲۸). لازم به ذکر است که از جمله احزاب اسلام‌گرایی که طی سالیان اخیر توانسته است در پهنهٔ سیاسی - اجتماعی ترکیه عرض اندام کند حزب عدالت و توسعه می‌باشد که در خلال انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ توانست با کسب ۳۴٪ درصد آراء به موفقیت چشمگیری نائل آید (Nas, 2008: 110) و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، دولت تشکیل دهد. البته خودنمای حزب عدالت و توسعه در شرایطی بود که مردم از اوضاع اقتصادی و فسادهای مالی و سیاسی ناراضی بودند و اینکه احزاب سنتی ترکیه نیز درگیر مباحثی همچون گفتمان کهنهٔ «ملی‌گرایی»^۱ و حفظ دولت ترکیه از دشمنان خیالی بودند، از این‌رو حزب عدالت و توسعه کوشید تا خود را به عنوان تنها گزینهٔ مطلوب به همگان معرفی نماید (Meral & Paris, 2010: 76).

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب اسلام‌گرای میانه‌رو در انتخابات سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ و تداوم این پیروزی در انتخابات سال‌های آتی، نمود عینی قدرت‌یابی این حزب در فضای سیاسی ترکیه بوده است (Baran, 2010: 46). حزب مذکور، برآمده از حزب سابق «رفاه»^۲ به رهبری «نجم الدین اربکان»^۳ می‌باشد که به دلیل تندروی‌های خود، طی دهه ۹۰ میلادی از طریق کودتا سرنگون شد (Perthes, 2010: 4). به لحاظ تاریخی، سیر فعالیت احزاب اسلام‌گرا به خصوص بین سال‌های ۱۳۶۱/۱۹۸۲ تا ۱۳۸۱/۲۰۰۲ به دلیل ایجاد بحران‌های ناشی از فعالیت‌های خداسکولاری، فقدان استحکام لازم درونی و رهبری کاریزماتیک، اختلافات بین محافظه‌کاران و اصلاح طلبان بر سر فهم اسلام و سرانجام تضعیف حزب و فشار بیش از حد نظامیان و لایک‌های افراطی، سرنوشتی جز انحلال توسط قانون اساسی را تجربه نکرده است (سمیعی اصفهانی و فرجمند، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

از این‌رو، رهبران حزب عدالت و توسعه با نشان دادن رفتاری عمل‌گرایانه و دوری از فعالیت‌های افراطی سعی کردند تا از مسیر حرکت اسلام‌گرایان سابق دوری نمایند. از جمله

1. Nationalism
2. Welfare
3. Necmettin Erbakan

عوامل موفقیت این حزب در انتخابات سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ عبارت بودند از: نابه سامانی های اقتصادی و سیاسی سال های قبل؛ افول طبقه سیاسی سنتی؛ عدم کارایی احزاب راست و چپ در مواجهه با چالش های متعدد و نیز توجه خاص این حزب به دکترین عمق راهبردی «احمد داوداگلو»^۱ (رسولی و ایمانی، ۱۳۹۴: ۱۰). اما شاید بتوان مهم ترین دلیل موفقیت این حزب را در میانه رو بودن آن دانست؛ چرا که رهبران اصلی حزب، نظیر «رجب طیب اردوغان»^۲ بارها اعلام کردند که در روند قدرت، از تمامی نیروهای سیاسی ترکیه، همچون بخش خصوصی، سرمایه داران، اقلیت های قومی - مذهبی، ارتش و کمالیست ها استفاده خواهند کرد (رسولی، ۱۳۹۳: ۵۹). قدرت یابی حزب عدالت و توسعه، سیاست داخلی و خارجی این کشور را با تغییراتی رو به رو کرده است. اردوغان با سیاست های اصلاح طلبانه داخلی در تمامی آبعاد اقتصادی، مدنی، قومی و فرهنگی، توانست در ذهن جامعه ترکیه، حزب عدالت و توسعه را حزبی دموکرات و قانون گرا معرفی کند (داوداگلو، ۲۰۱۰: ۱۳). در فراسوی دگردیسی های رخ نموده و قدرت یابی احزاب اسلام گرا در تحولات سیاسی - اجتماعی ترکیه، پرسشی که نگارندگان پژوهش پیش رو کوشیده اند تا با تأسی از مفروضات تئوریک لاکلاژ و موفه بدان پاسخ دهند چنین ترتیب بندی شده است که گفتمان اسلام سیاسی چه جایگاهی را در مناسبات قدرت و ساختار حکومت ترکیه احراز کرده است؟

۲- ادبیات (پیشینه) پژوهش

با بررسی ادبیات موجود پیرامون مقوله مشارکت احزاب اسلام گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت ترکیه در میان آثار فارسی و انگلیسی، می توان چنین اظهار داشت که با وجود کثرت منابع در تجزیه و تحلیل واقعی، هیچ کدام از آثار نگارش شده موضوع مورد مدافعه را از زاویه تحلیل گفتمان مورد تدقیق قرار نداده اند و اینکه تاکنون رویه غالب در بررسی جریانات اسلام گرای ترکیه توجه به مبانی شکل گیری احزاب بوده است. در مقام نقد منابع پیشین؛ «اوزببدون»^۳ (۱۳۷۹/۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «سیاست در ترکیه معاصر و چالش های تحکیم دموکراسی در این کشور»^۴ سه عامل اساسی عدم توسعه ای سیاسی در

1. Ahmet Davutoglu

2. Recap Tayyip Erdogan

3. Ozbudun

4. Politics in Contemporary Turkey and the Challenges of Consolidating Democracy in Turkey

ترکیه را دخالت نظامیان در سیاست، ریشه نداشتن احزاب در جامعه و تحمیلی بودن قانون اساسی دانسته است. از دیدگاه نویسنده، دولت ترکیه به عنوان وارث دولت عثمانی، به صورت سنتی قوی‌تر از جامعه است و همین مسئله رشد جامعه مدنی در ترکیه را با مشکلات ژرفی مواجه کرده است. «هاکان یاووز»^۱ (۱۳۸۷/۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه»^۲، چگونگی به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ در ترکیه را بررسی و به تحلیل تأثیرات سیاسی - اجتماعی دولت حزب عدالت و توسعه بر سیاست‌های داخلی ترکیه و تداوم توسعه سیاسی پرداخته است. وی معتقد است که گروه‌های اسلامی و کارگزاران حزب عدالت و توسعه با تسلط بر سازمان‌ها و انجمن‌های جامعه مدنی، وضع موجود مبتنی بر شالوده‌های کمالیسم را با چالشی چشمگیر و چندوجهی مواجه ساخته‌اند. نویسنده در عین اعتقاد به چالش پایان‌ناپذیر سکولاریسم و نیروهای اسلام‌گرای، معتقد است که نگرش حزب عدالت و توسعه به دو جریان عمده بدیع است. علاوه بر موارد فوق، «توپراق»^۳ (۱۳۸۴/۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «اسلام و سکولاریسم ساختمان ترکیه مدرن»^۴ به ریشه‌های سکولاریسم در قرن ۱۹ دوران امپراتوری عثمانی اشاره کرده است. نویسنده معتقد است که ترکیه در بین کشورهای اسلامی موقعیت ممتازی دارد چرا که تنها دموکراسی سکولار در میان اکثریت کشورهای مسلمان است. به نظر وی سیاست‌های دموکراسی در ترکیه طی سالیان اخیر منجر به تغییر هویت و تعديل اسلام سیاسی شده است و همین امر به نوبه خود زمینه‌های مشارکت فعالانه احزاب اسلام‌گرای را فرآهم آورده است و با اینکه تلاش‌های دولت ترکیه در عملکرد اقتصادی و توسعه سیاسی تا حدودی موافقیت‌آمیز بوده است اما برای رسیدن به وضعیت مطلوب در عرصه توسعه سیاسی و دموکراسی فاصله زیادی وجود دارد.

«کنراد زاشتوت»^۵ (۱۳۹۵/۲۰۱۶) در اثر خود با عنوان «پیامدهای کودتا نافرجام ارتش در ترکیه»^۶ چنین اظهار داشته است که این کودتا پیامدهای مهمی برای سیاست‌های داخلی

-
1. Yavuz
 2. Secularism and Islamic Democracy in Turkey
 3. Toprak
 4. Islam and Secularism Building Modern Turkey
 5. Konrad Zasztowt
 6. Consequences of the failed military coup in Turkey

۳- سپهیر نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش، به مثابه پشتونهٔ تئوریک موضوع مورد تدقیق، بهره‌گیری از نظریات و آراء لاکلائو و موفه در رابطه با مقولهٔ تحلیل گفتمان می‌باشد. ایشان با استفاده از زبان‌شناسی سوسور، گفتمان را مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده و پیوندیافته تعریف می‌کنند (نظامی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷: ۶۳). از نظر ایشان، گفتمان، یک منظمهٔ معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفریند. در این نظریه، مفهوم گفتمان، مجموعه‌ای گسترده از داده‌های زبانی و غیرزبانی (نوشتارها، سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، سازمان‌ها و نهادها) را در بر می‌گیرد و آنها را مانند زبان تحلیل می‌کنند؛ بنابراین، گفتمان تنها به معنای گزاره‌های زبانی نیست؛ مثلاً صندوق رأی در گفتمان لیبرال دموکراتی و مفهوم حجاب در گفتمان اسلام سیاسی را می‌توان از پدیده‌های گفتمانی به‌شمار آورد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳). لازم به ذکر است که گفتمان از نظر لاکلائو و موفه مجموعه‌ای از احکام نبوده، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده است. مفصل‌بندی فرآیندی است که به‌واسطه آن، نشانه‌ها با هم پیوند می‌خورند و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. در مقام عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون چنان ارتباطی ایجاد می‌کند

1. Joseph Bondaski

2. Army coup in Turkey; Basic considerations

که یک کلیت منسجم و نظاممند حاصل می‌شود و بدین ترتیب، یک گفتمان شکل می‌گیرد (Laclau & Mouffe, 2002: 105).

شایان ذکر است که در تحلیل گفتمان مبارزه برای دستیابی به هژمونی از طریق پروژه‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ عمدۀ دلیل تأکید بر راهبرد سیاسی آن است که رفشارهای استیلاج‌جویانه در فرآیندهای سیاسی بهنوبه خود از اهمیت زیادی برخوردار هستند و فرآیندهای سیاسی نیز متقابلاً برای شکل‌گیری و انحلال گفتمان‌ها اهمیتی حیاتی را احراز نموده‌اند. به دیگر بیان، اعمال هژمونیک نمونه‌ای از اعمال سیاسی‌اند و شامل پیوند هویت‌های متفاوت و نیروهای سیاسی به یک پروژه مشترک و ایجاد نظم اجتماعی جدید از عناصر پراکنده و متنوع است (Laclau, 1990: 60). در همین رابطه ارنستو لاکلائو اعمال هژمونیک که تلاش پروژه‌های سیاسی برای ثبت گفتمان‌های محدود و معین است را دارای دو پیش‌شرط کلی می‌داند: نخست وجود «خصوصت»^۱ و نیروهای مختصّ و دوم بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کنند.

لاکلائو و موفه در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی»^۲ به بحث در خصوص مقوله هژمونی پرداخته‌اند. از دید ایشان کالبدشکافی دنیای جدید ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که گفتمان نولیبرالیسم و جهانی‌شدن اگرچه ادعا می‌کنند که گفتمان‌هایی بدون جایگزین هستند، اما دلیل اصلی اینکه این گفتمان‌ها توانسته‌اند خود را فراتر از تاریخ و نظم اجتماعی ممکن به صورت طبیعی نشان دهند، تجلی مفصل‌بندی خاص قدرت می‌باشد؛ در واقع این امر به نوبه‌ی خود نشان‌گر هژمونیک بودن گفتمان لیبرالیسم می‌باشد که توانسته است خود را به عنوان سرنوشتی که همه باید تسليم آن شویم، نمایان سازد. لاکلائو و موفه تئوری خود را بر بسط مفهوم هژمونی و پیامدهای آن متکی کرده‌اند و از طریق بسط این مفهوم چنین نتیجه می‌گیرند: هویتی که به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود تنها به مفصل‌بندی در درون یک صورت‌بندی هژمونیک به دست می‌آید و اینکه «هیچ ثبات»^۳ و عینیتی ندارند. بنابراین، فرآید هژمونی و صورت‌بندی‌های هژمونیک نیز خود موقعی هستند؛ فلذا هیچ گاه جامعه به ثبت نهایی نخواهد رسید (صالحی‌نجف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۹). متأثر

1. Antagonism
2. Hegemony and Socialist Strategy
3. Islocation

از مطالب فوق و در جهت فهم بنیان‌های تئوریک پژوهش پیش‌رو، در ادامه و به فراخور مهم‌ترین گزاره‌های مدنظر لاکلائو و موفه که شامل مفصل‌بندی، دال و مدلول، دال مرکزی، دال شناور و ضدیت و غیریت است را از نظر خواهیم گذاراند:

الف) مفصل‌بندی^۱

کُنشی که میان عناصر مختلف (مفاهیم، دال‌ها و نمادها) چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده و هویتی جدید بیابند. از این‌رو، هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید. در فرآیند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را همانند قطعات بهم ریخته پازل به‌گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه‌فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی - اجتماعی به دست دهد (کسرایی، ۱۳۹۰: ۲۳۰)؛



ب) دال و مدلول^۲

مفهوم مذبور در نظریه لاکلائو و موفه نقش کلیدی را ایفا می‌کند. دال‌ها اشخاص و مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که شخص با دیدن آن دال مورد نظر را می‌تواند به‌خوبی معنا نماید (فلاحی، ۱۳۹۴: ۸۸)؛

۳۱۸

پژوهش، نماد، نظریه،
چهاردهمین زمستانی
۱۳۹۴

پ) دال مرکزی^۳

دال مرکزی نقطه کلیدی و هویت‌بخش در یک گفتمان است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷). به دیگر بیان، دال مرکزی مانند یک عمود برای چادر است که اگر برداشته شود، چادر فرو می‌ریزد (Dabirimehr & Ta- batabaei, 2014: 1284).

1. Articulation
2. Signifier & Signified
3. Nodal Point

هويت و عمل سياسي قرار داده و در مقابل گفتمان سکولار و ليبرالي صفاً را يي كرده است؛

ت) دال شناور^۱

نظرية گفتمان آن عنصرهایی را که بر روی انتساب معانی گوناگون باز است را دالهای شناور یا سیال می‌نامد (Laclau, 1990: 28). دال شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمانهای مختلف تلاش می‌کنند تا به آن‌ها به شیوهٔ خاص خود معنا بخشنند، گفتمانهایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلاء معنایی موجود پایان بخشنند و در دسترس عاملان اجتماعی قرار گیرند و امکان هژمونیک شدن آن‌ها فراهم می‌شود (خواجه‌سروری و رحمتی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)؛

ث) خدیت^۲ و غیریت^۳



۳۱۹

۱. شیوهٔ انتشار
۲. انتقام از غیر
۳. از خود فرق ننمودن
۴. اسلام کا ایجاد
۵. اسلام کا ایجاد
۶. اسلام کا ایجاد
۷. اسلام کا ایجاد
۸. اسلام کا ایجاد
۹. اسلام کا ایجاد
۱۰. اسلام کا ایجاد

فهم نظریه گفتمان اساساً بدون مفاهیم ضدیت و غیریت امکان‌پذیر نیست. هر گفتمانی ضرورتاً به گفتمان رقیب دیگر نیاز دارد تا به‌واسطهٔ آن هويت یابد. هیچ جامعهٔ یکدستی را نمی‌توان متصور شد که در آن فقط یک گفتمان یا تنها یک نوع جهان‌بینی و طرز تفکر حاکم باشد. هر گفتمانی به‌منظور هويت یافتن به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. البته گاه گفتمان‌ها بیش از یک غیر دارند و مجموعه‌ای از غیریت‌ها برای هويت یابی در شرایط مختلف استفاده می‌کنند (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). از این‌رو می‌توان بین غیرخارجی و غیرداخلی تمایز قائل شد. شایان ذکر است که ایجاد غیریتسازی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت محوری دارد: اولاً خلق رابطهٔ غیریتسازانه که همواره شامل تولید دشمن یا دیگری است که برای تأسیس مرزهای سیاسی دارای اهمیت بهسزایی است؛ ثانیاً تشکیل روابط غیریتسازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت جزئی هويت‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی اهمیت اساسی دارد؛ ثالثاً آزمودن غیریتسازی مثال خوبی است برای نشان دادن محتمل‌الواقع بودن هويت (مشهودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۷). به عنوان مثال انقلاب اسلامی غیریت خود را گفتمان لیبرالیسم یا لیبرال دموکراسی غرب قرار داده است. به تعبیر دیگر امام خمینی (ره) با بازتعریف گفتمان اسلام سیاسی و شیعی در قالب گفتمان اسلام ناب

1. Floating Signifier

2. Antagonism

3. Otherness

محمدی، از منازعه خُرده گفتمان‌ها در درون جهان اسلام ممانعت و رقیب هویتی و گفتمانی خود را غرب قرار داد. همچنین گفتمان غرب نیز برای پویایی نیاز به گفتمان رقیب دارد که قبلًاً این رقیب سوسيالیسم بود؛ اما با فروپاشی آن، گفتمان اسلام سیاسی جایگزین آن شد. بنابر مطالبی که از نظر گذشت می‌توان چنین اظهار داشت که تئوری لاکلائو و موفه، نظریه‌ای منسجم است که ابزار تحلیلی مناسبی برای تحلیل پدیده‌های سیاسی - اجتماعی در سطح کلان را فرآهم می‌کند. این نظریه به دلیل تأکید بر هویت به عنوان یک مدل مطلوب، سیاست فرهنگی برای جامعه‌شناسی جدید شناخته شده است (نش: ۱۳۸۴: ۴۷). در این نظریه هویت در نتیجه تنابع گفتمانی شکل می‌گیرد. البته این امر محصول پیروزی یک گفتمان است که لازمه این غلبه و پیروزی نیز قابلیت دسترسی یعنی در دسترس بودن در موقعیتی است که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین آن نشان ندهد (امیدی و احمدی نژاد، ۱۳۹۷: ۲۶). به این ترتیب مرزهای یک گفتمان و انسجام آن بازتابی از خصلت‌های درونی آن نیست، بلکه دال‌های گفتمانی یک گفتمان در جریان تنابع با دال‌های بدیلی که آنها را تهدید می‌کنند، بر ساخته می‌شوند (صادقی فساوی و روزخوش، ۱۳۹۲: ۲). با تأسی از گزاره‌های تئوری لاکلائو و موفه، در پرتو مفاهیم و معناها در ادامه کوشش شده است تا زمینه‌ها و نمودهای کنشگری جریانات اسلام‌گرا در ساخت سیاسی ترکیه طی سالیان اخیر از نظر گذرانده شود.

۴- اسلام‌گرایی حزبی در ترکیه؛ ریشه‌ها و علل

به لحاظ تاریخی نخستین جرقه‌های رسمی ایجاد احزاب اسلام‌گرا در ترکیه توسط نجم الدین اربکان (پدر معنوی حزب عدالت و توسعه) در سال ۱۳۴۸/۱۹۷۰ با تشکیل حزب سلامت ملی کلید خورده است (Yavuz, 2003: 45). حزب سلامت ملی که با توجه به ارزش‌های اسلامی تأسیس شده بود، حدود ده سال فعالیت داشت و طرفدارانی در بین مسلمانان ترکیه پیدا کرده بود. کودتای ۱۳۵۸/۱۹۸۰ ارتش ترکیه موجب توقف فعالیت‌های حزب سلامت ملی شد. همچنین عملیات تبلیغاتی وسیعی علیه رهبران و طرفداران این حزب انجام گرفت. از این رو بود که اربکان فعالیت‌های خود را به دنبال تعطیلی فعالیت حزب سلامت با تأسیس حزب جدید رفاه تداوم بخشید (Mac Donald, 2012: 113). موفقیت اربکان در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۷۵/۱۹۹۶ مسیر تشکیل کابینه ائتلافی را برای وی فرآهم ساخت. وی

جایگاه نخست وزیری را در دولت وقت به دست آورد؛ اما پیروزی حزب رفاه در انتخابات کارشناسی‌ها را علیه این حزب متوقف نساخت. البته کارشناسی‌های رخ نموده منشأ داخلی و خارجی داشت؛ لائیک‌ها در ترکیه و برخی از دُول غربی موافقت را پیش‌روی دولت اریکان ایجاد کرده بودند. کشورهای غربی موافقیت اسلام‌گرایان را در ترکیه تحمل نمی‌کردند. نظامیان نیز در داخل این کشور به دنبال برکناری دولت اریکان بودند؛ لذا دولت وی با کودتای سفیدی که ارتش مدیریت می‌کرد، برکنار شد. سقوط دولت با انحلال حزب رفاه از سوی دادگاه قانون اساسی همراه شد. اریکان و اردوغان به دنبال کودتای ارتش زندانی شدند. اردوغان در آن زمان معاونت حزب رفاه را بر عهده داشت (عبدالله و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۶). اسلام‌گرایان پس از انحلال حزب رفاه به تأسیس حزب جدیدی تحت عنوان حزب فضیلت اقدام کردند. «رجایی کوتان» رهبری حزب فضیلت را در دست داشت. حزب تازه تأسیس نیز از سوی دادگاه قانون اساسی مورد هدف قرار گرفت و منحل شد. دو گروه عمده محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان در داخل حزب فضیلت تفاوت دیدگاه‌هایی داشتند. رهبری محافظه‌کاران بر عهده «رجایی کوتان» و رهبری اصلاح‌طلبان بر عهده عبدالله گل بود. تفاوت در تفسیر اسلام در حیات جامعه اختلاف عمده طرفین را شکل می‌داد. این اختلافات موجب جدایی دو گروه در قالب دو حزب جدید شد (واعظی، ۱۳۹۳: ۵). از این‌رو بود که حزب عدالت و توسعه و حزب سعادت به دنبال این مسئله تأسیس شدند.

رهبران آک پارتی علی‌رغم ماهیت این حزب برای غلبه با محدودیت‌هایی که علیه احزاب اسلام‌گرا وجود داشت، گفتمان نوینی را پایه‌ریزی کردند تا چارچوب‌های لائیک ترکیه به مقابله با حزب عدالت و توسعه اقدام نکنند (Keyman, 2007: 217). عبدالله گل نیز پس از تأسیس این حزب اعلام کرده بود که آک پارتی حزبی دینی به شمار نمی‌رود. وی بر فراغیر بودن گفتمان این حزب تأکید کرده و آن را نماینده همه مردم خوانده بود (نورالدین، ۱۳۹۲: ۱۵۴). اساسنامه حزب عدالت و توسعه به آزادی‌های سیاسی، گسترش خدمات اجتماعی، آموزش همگانی و امنیت اجتماعی تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مانایی این حزب در ترکیه و توانایی آن برای مقابله با ساختارهای سکولار این کشور نیز به گفتمان نوین آک پارتی مربوط می‌شود که قدرت رویارویی را به این حزب در مقابل احزاب دیگر داده است.

۵- حزب عدالت و توسعه؛ مهم‌ترین حزب اسلام‌گرایی تکیه زده بر اریکه قدرت

همانطور که در خلال سطور بالا ذکر شد از میان احزاب اسلامگرایی ترکی، طی دو دهه اخیر، حزب عدالت و توسعه توانسته است بنا به تحرکاتی که داشته است قدرت سیاسی ترکیه را قبضه نماید و به نوعی سایر احزاب را به حاشیه براند. به نگاهی کالبدشکافانه می‌توان چنین اظهار داشت که رویکرد سیاسی و اقتصادی حزب عدالت و توسعه نشان از آن دارد که رهبران این حزب رویه راست‌نو را در پیش گرفته‌اند؛ که اتخاذ این مسیر با آموزه‌های اصیل اسلامی زوایه پیدا می‌کند (Fikir, 2010: 23). رهبران حزب عدالت و توسعه نگاهی دموکراتیک دارند؛ بدین ترتیب که رهبران این حزب بر این باور هستند که حیات دینی در جامعه ترکیه بدون توجه به آزادی و دموکراسی نمی‌تواند ایجاد شود. از نظر پیروان آک پارتی، لائیسیتی‌ای که طرفداران کمالیسم بر جامعه تحمیل کرده بودند، با اهرم‌های قضایی و نظمی اجرایی می‌شد و اینکه این خوانش از لائیسیتی با سکولاریسم نیز همخوانی نداشت؛ چرا که آن نوع از لائیسیتی در عمل نوعی از بی‌دینی را تحمیل می‌کرد. این در حالی است که دولت سکولار لازم است در قبال باورهای مختلف جانب بی‌طرفی را رعایت کند (Isgandarova, 2014: 210).

یکی دیگر از مباحث و مسائلی که مورد توجه آک پارتی قرار گرفته است، مقوله دوری از تنفس می‌باشد. دوری از تنفس به‌ویژه در برنامه‌های دوره نخست دولت رجب طیب اردوغان مورد تأکید قرار گرفته بود. این موضوع موجب شد که گروههای مخالف حزب عدالت و توسعه در اثبات اتهامات خود علیه این حزب موفق نباشند. مخالفان آک پارتی امید داشتند که با همراهی نظامیان و سکولارها می‌توان موانعی در مسیر اقدامات حزب عدالت و توسعه ایجاد کنند؛ اما مَشی این حزب مانع تحقق این موضوع شد. آک پارتی در انتخابات پارلمانی ۱۴۰۰/۲۰۰۷ مَشی معتمد خود را به صورت واقعی به نمایش گذاشت و ۱۵۶ نفر از نمایندگانی که در این حزب رویکردهای افراطی داشتند، از لیست نامزدهای خویش کنار گذاشت. جایگزین شدن شخصیت‌های میانه‌رو و تکنوقرات، مَشی اعتدالی حزب را هویدا ساخت (اکبری، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

نکته قابل توجه آن است که آک پارتی دوری از تنفس را صرفاً در حوزه سیاست داخلی دنبال نمی‌کند، بلکه این موضوع در سیاست خارجی این حزب نیز قابل مشاهده است. جهت‌گیری‌های ترکیه در حوزه سیاست خارجی بیشتر غرب‌گرا محسوب می‌شود. بنظر چنین

می‌رسد که آنکارا مواجههٔ مستقیم با ایالات متحده و متحдан آن را برخلاف منافع ترکیه می‌داند. مناسبات کنونی ترکیه با واشنگتن و رژیم صهیونیستی به خوبی این موضوع را به اثبات می‌رساند که حزب عدالت و توسعه علاقهٔ چندانی به تنشی‌زایی در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ندارد (عبدالله و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۹). از این رو بود که روابط آنکارا با رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری را تجربه کرده است؛ حزب عدالت و توسعه در حالی که با گروه‌های فلسطینی نیز روابط مستحکمی ایجاد کرده است، به ارتباط خود با رژیم صهیونیستی تداوم بخشیده است. روابط ترکیه و این رژیم به دنبال پیمان راهبردی ۱۳۷۵/۱۹۹۶ شکل جدیدی به خود گرفته است تا جایی که قراردادهای اقتصادی و امنیتی پس از پیمان مذکور منعقد شده است (Salivan, 2008: 11). همچنین باید اذعان داشت که جایگاه حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب حاکم ترکیه طی دوره‌های مختلف در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده تا حدود زیادی حفظ شده است. این موضوع پس از وقوع بحران سوریه به صورت ملموسی قابل مشاهده است (Schenker, 2011: 48).

لازم به ذکر است که گرچه حزب عدالت و توسعه حزبی اسلام‌گرا محسوب می‌شود؛ با این حال تفاوت‌های اساسی با اسلام‌آزاد خود از جمله دولت نجم‌الدین اربکان دارد. از جمله تفاوت‌هایی که بین حزب عدالت و توسعه و دیگر احزاب اسلامی وجود دارد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

R	مؤلفه	حزب عدالت و توسعه	حزب سعادت	حزب رفاه
۱	دموکراسی	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر حقوق فردی، حقوق اقلیت‌ها و جامعه مدنی؛ - رد صریح کاربرد دین برای حوزه‌های سیاسی؛ - اشاره جزئی به حقوق دینی و مسئلهٔ سکولاریسم. 	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر دموکراسی و حقوق فردی بدون اشاره به جامعه مدنی؛ - تأکید بر مسئلهٔ سکولاریسم و چگونگی تعریف آن؛ - تأکید بر آزادی‌های مذهبی. 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم اشاره به حقوق فردی و انسانی؛ - تأکید بر حقوق و آزادی‌های اجتماعی به‌ویژه در حوزه‌های دینی.
۲	اقتصاد و نقش دولت در آن	<ul style="list-style-type: none"> - نقش دولت به عنوان ناظر و هماهنگ کننده اقتصاد؛ - تأکید بر خصوصی‌سازی و اصلاحات ساختاری. 	<ul style="list-style-type: none"> - نقش دولت رفاه؛ - تأکید بر اقتصاد دولت‌محور. 	<ul style="list-style-type: none"> - قائل به وجود نقش بازتزریعی برای دولت؛ - نقش فعل دولت در کمک به توسعه اقتصادی؛ - تأکید بر اقتصاد دولتی.

<ul style="list-style-type: none"> - علايق ملى گرایي بسيار قوي؛ - تصور تركيه به عنوان رهبر جهان اسلام. 	<ul style="list-style-type: none"> - علايق ملى گرایي معتدل؛ - از علايق ملى گرایي برای توجيه برنامهها استفاده مى شود؛ - تأكيد بر پيوستان به اتحاديه اروپا. 	<ul style="list-style-type: none"> - علايق ملى گرایي ضعيف؛ - انجام اصلاحات بر اساس معiarهای مكتب كپنهاگ؛ - تأكيد بر نياز تركيه برای حرکت در مسیر موازي با جريان هاي جهاني. 	ملي گرایي	۳
<ul style="list-style-type: none"> - تأكيد شديد بر ارزش هاي اخلاقی؛ - تأكيد بر ارزش هاي اسلامي. 	<ul style="list-style-type: none"> - تأكيد بر ارزش هاي اخلاقی به عنوان مهم ترين راه حل برای بيشتر مشكلات و بهويژه پدیده فقر؛ - حمایت از دين و نقد پدیده مادي گرایي. 	<ul style="list-style-type: none"> - تعریف هویت خودی به عنوان افرادی محافظه کار و دموکراتیک؛ - تأكيد بر ارزش ها و هنجرهای اجتماعی به عنوان عواملی تأثیرگذار در کارکرد بهتر سیستم؛ 	مذهب و ارزش هاي اخلاقی	۴

تحول گفتماني احزاب اسلامگرای تركيه پيش و پس از کودتاي ۱۹۹۸/۱۳۷۷ (امام جمعهزاده و ديگران، ۱۳۹۲: ۵۶)

منبع از نوع مقاييسه اي که ذکر شد، در نگاهي کلي، اصول اساسی حزب عدالت و توسعه

را مى توان به شرح ذيل ترتيب بندی کرد:

- ۱) پيگيري نقش محوري در منطقه؛
- ۲) چند جانبه گرایي و توجه به کشورهای مسلمان؛
- ۳) تعریف نقش ميانجي گر در مسائل منطقه اي؛
- ۴) حرکت به سمت تعادل بخشی در نوع نگاه به سياست های غرب آسیا و اروپا؛
- ۵) ارائه الگو برای کشورهای مسلمان؛
- ۶) تلاش برای کاهش مشكلات با همسایگان.



فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشی بیان اسلام

شماره چهارم زمستان ۱۳۹۲

۳۲۴

۶- تبيين عملکرد حزب عدالت و توسعه در مناسبات قدرت و ساختار حکومت تركيه

پس از به قدرت رسيدن حزب عدالت و توسعه در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲، تلاش هايي ژرف برای گسترش پروسه دموکراتيزاسيون در تركيه انجام گرفت. در کنار نيازها و فشارهای داخلی و تحولات جهاني، بحث پيوستان تركيه به اتحاديه اروپا نيز عامل مهمی در انجام اصلاحات بود. همچنين، حزب عدالت و توسعه از ابزار اصلاحات برای به حاشيه راندن رُقبای داخلی

کمالیست خود (ارتش، نهادهای قضایی و احزاب اپوزیسیون کمالیست) بهره‌برداری کرد و توانست ارتش و نظامیان را مطیع حکومت مدنی انتخابی خود کند. اصلاحات داخلی این حزب، در سال‌های حکمرانی اش، تبعات مثبتی بر روند دموکراتیزاسیون ترکیه گذاشت، اما به تدریج که این حزب به باز تولید قدرت پرداخت، گرایشات اقتدارگرایانه‌ای از خود بروز داده است؛ بطوریکه گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نشان از آن دارد که وضعیت شاخص‌های دموکراسی و حقوق بشر در دوره حکمرانی این حزب چندان قابل دفاع نیست و حتی در برخی شاخص‌ها روند پس‌رفت دیده می‌شود. توضیح اینکه بر اساس گزارش «خانه آزادی»^۱ در سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ در زمینه آزادی مطبوعات، ترکیه از کشوری نیمه‌آزاد به جرگه کشورهای غیرآزاد پیوسته است. این کشور رتبه ۱۳۴ را در میان ۱۹۷ کشور بررسی شده کسب کرده است؛ یعنی عقب‌تر از کشورهایی همچون نیجریه، لبنان، تونس، کنیا، لیبیریا، اوگاندا، الجزایر و کویت. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳ ترکیه رتبه ۱۲۰ را از میان کشورهای موجود به خود اختصاص داده بود (Eligur, 2014: 152). علاوه بر مورد مذبور، خانه آزادی در گزارش بعدی خود در سال ۱۳۹۵/۲۰۱۶ نیز به دستگیری روزنامه‌نگاران روزنامه مشهور جمهوریت به اتهام مربوط به تروریسم، به دلیل انتشار گزارشی در خصوص ارسال سلاح به سوریه از سوی سرویس‌های امنیتی ترکیه و حمله گروهی از افراد به روزنامه حریت در سپتامبر ۲۰۱۵/مرداد ۱۳۹۴، به عنوان نمونه‌ای درخور توجه اشاره کرده است (the Press Turkey, 2016).

«گزارش گران بدون مرز»^۲ نیز در ژانویه ۲۰۱۴/دی ۱۳۹۲ به زوال آزادی مطبوعات تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه پرداخته‌اند. بر اساس این گزارش، ترکیه از نظر آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ در رتبه ۱۱۶ قرار داشت، اما در سال ۱۳۹۳/۲۰۱۴ به رتبه ۱۵۴ در میان ۱۷۹ کشور سقوط کرده است، یعنی عقب‌تر از کشورهایی نظیر: قطر، افغانستان و عراق. این گزارش اعلام کرده است که ترکیه به بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران تبدیل شده است (Eligur, 2014: 152). همچنین طبق ارزیابی «اکونومیست»^۳، ترکیه به عنوان «رژیمی دورگه» تعریف شده است که دارای رتبه ۸۸ در میان ۱۶۷ کشور دنیاست. رژیم‌های

-
1. Freedom House
 2. Reporters Without Borders
 3. Economist Intelligence unit's Index of democracy

دورگه^۱، رژیم‌هایی هستند که برخی از مظاہر دموکراسی و انتخابات را حفظ کرده، اما در حقیقت اقتدارگرا هستند، چون فرصت‌ها و راههای محدودی برای کنار زدن حزب حاکم باقی گذاشته‌اند (اشرف نظری و سلیمانی، ۱۳۹۵: ۱۴). لازم به ذکر است که تداوم روندهای موجود، موجب تضعیف دموکراسی و هم‌زمان تشدید شکاف‌های داخلی در این کشور راهبردی خواهد شد. کما اینکه نوع سیاست‌ورزی نظریه‌پردازان حزب عدالت و توسعه در خصوص مقوله اکراد و علوی‌ها چالش‌هایی را به وجود آورده است.

۶-۱- مقوله اکراد و علوی‌ها؛ مهم‌ترین چالش پیش‌روی حزب عدالت و توسعه

مسئله اکراد همواره یکی از مسائل اصلی تاریخ ترکیه مدرن بوده است و نقش عمده‌ای را در سیاست داخلی و سیاست خارجی این کشور راهبردی ایفا کرده است. به لحاظ تاریخی ریشه این مسئله به فرآیند شکل‌گیری دولت - ملت مدرن با ایدئولوژی ملی‌گرایی قومی ترکی بر می‌گردد که منجر به انکار هویت‌های غیرترکی، بهویژه کردها و سرکوب هرگونه مطالبات آنها در همان اوایل جمهوری تازه تأسیس ترکیه شد. در همین رابطه «عصمت اینونو»^۲ از نزدیکان و جانشین مصطفی کمال مشهور به آتاتورک، موضع رسمی دولت ترکیه را در سال ۱۹۲۵/۱۳۰۲ بدین‌گونه خلاصه کرد: «ما به صراحة می‌گوییم که ملی‌گرا هستیم و ملی‌گرایی تنها فاکتور همبستگی و انسجام ماست. در برابر اکثریت تُرک، هیچ عنصر و گروه دیگری نقوذی ندارد، ما باید همه ساکنان سرزمین‌مان را به هر قیمتی تُرکیزه کنیم و ما باید آن کسانی را که مخالف تُرک‌ها و تُرکیسم هستند، نابود کنیم» (Barkey & Fuller, 1998: 10). در همین رابطه تلاش‌های گسترده‌ای برای تُرک معرفی کردن کردها و بازنویسی کتاب‌های تاریخ و معمول شدن عبارت «تُرک کوهی» برای کردها در ادبیات رسمی در ترکیه صورت گرفت. این رویه انکار و سرکوب تا دهه‌های متتمدی ادامه داشت. برای نمونه می‌توان به فرهنگ لغت ترکی انتشار یافته در سال ۱۹۷۱/۱۳۴۹ اشاره کرد که در آن، کرد را مردمی تُرک که زبان‌شان به نوعی فارسی شکسته تغییر یافته، معرفی کرده است (Ozcan, 2006: 68).

البته باید توجه داشت که پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، به تدریج شاهد معتلل‌تر شدن رویکرد دولت نسبت به مطالبات کردهای این کشور بوده‌ایم. این رویکرد

1. Human Rights Watch (HRW)

2. Ismet Inonu

معتلد موجب گشايش‌هایي در عرصه‌های مختلف نسبت به کُردها شد. در همین خصوص تلاش‌های قابل توجهی مانند پروسه مذاکرات و آشتی میان بازيگران سیاسی کُردي و حزب حاکم در آنکارا (مانند حادثه هابور در سال ۱۳۸۷/۲۰۰۹، گفت و گوهای اولو و مذاکرات اوچالان از سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳) برای حل و فصل مسئله کُردي صورت گرفت. البته در همین دوره نیز سرکوب سیاسي آکراد تداوم پیدا کرد که در این مورد می‌توان به فشار بر اپوزیسیون سیاسی کُرد و انحلال حزب «جامعه دموکراتیک»^۱ به وسیله دادگاه قانون اساسی، دستگیری عده زیادی از طرفداران «حزب صلح و دموکراسی»^۲ بعد از سال ۱۳۸۷/۲۰۰۹ به عنوان جزئی از عملیات‌های ضد «اتحادیه جوامع کردستان»^۳ که تشکلی وابسته «PKK» است و محاکمه آنها اشاره کرد (Loizides, 2010: 520).

شایان ذکر است که نوع نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه نسبت به آکراد در چارچوب رویکرد امت محورانه و برادری اسلامی جریان‌های اسلام‌گرای پیشین تُرك قابل تبیین و ترتیب‌بندی است. برای نمونه اردوغان در سخنرانی فوریه ۲۰۰۸/بهمن ۱۳۸۶ در شهر کُردنشین حکاری ابراز داشت که: «ما گفتیم یک ملت، یک پرچم، یک سرزمین مادری و یک دولت. آنهایی که مخالف این هستند، باید از این کشور بروند» (Bahcheli & Noel, 2011: 116). وی همچنین در سخنرانی در مارس ۲۰۱۵/اسفند ۱۳۹۳ مُنکر مسئله کُردها در ترکیه شد و ابراز داشت که آکراد تنها ملت در ترکیه نیستند، بلکه ۳۶ قومیت دیگر در ترکیه وجود دارد. ما همه زیر سقف جمهوری ترکیه جمع شده‌ایم. ما چه می‌گوییم؟ ما می‌گوییم یک ملت، یک پرچم، یک سرزمین مادری (وطن). بعضی در پذیرفتن این امر مقاومت می‌کنند و مسئله کردی را از این موضوع خلق می‌کنند، برادران کُردم باید در این دام بیفتند (Today's Zaman, March 23, 2015). به بیانی روشن‌تر می‌توان چنین ابراز داشت که این نوع از نگاه ایدئولوژیک به مسئله اکراد که ریشه در ملغمه‌ای از ملی‌گرایی ترکی و اسلام‌گرایی سُنی دارد، حاضر به پذیرش اقلیت متمایزی به نام اکراد نبوده و عمدهاً با تکیه بر اشتراکات مذهبی، سعی در پاک کردن صورت مسئله و پافشاری بر یکی بودن تمام گروه‌های قومی ترکیه، زیر چتر هویت رسمی تُرك دارد.

-
1. DTP
 2. BDP
 3. Kurdistan Communities Union

علاوه بر مسئله آکرا، مسئله علوفی‌ها نیز از جمله مواردی می‌باشد که نوع کنشگری حزب عدالت و توسعه را طی سالیان اخیر تحت تأثیر خود قرار داده است. شایان ذکر است که از جمله مواردی که بر روابط فی مابین اثرگذار واقع شده است مقوله تقویت و گسترش اسلام‌گرایی سُنی در جامعه و دولت است که موجب گسترش علوفی‌گرایی سیاسی شده است. البته طی سالیان اخیر بحران سیاسی - امنیتی سوریه نیز که توأم با اظهارات گرنده برخی از مقامات حزب عدالت و توسعه علوفی‌ها بوده است، شکاف بین علوفی‌های ترکیه و دولت را تشدید کرده است. البته در دوره زمامت حزب عدالت و توسعه، وضعیت اقلیت‌های مذهبی و قومی نسبت به گذشته بهبود یافت، اما این مسئله بیشتر در خصوص وضعیت غیرمسلمانان ترکیه صدق می‌کند. به عنوان نمونه، حکومت در سال‌های اخیر قسمتی از دارایی‌هایی را که در قرن ۲۰ متعلق به کلیساها مذهبی بوده و مورد توقيف قرار گرفته بود به آنها برگردانده و از صاحبان دارایی‌ها حمایت کرده است، اما در خصوص علوفی‌ها، کمتر شاهد چنین پیشرفت‌هایی بوده‌ایم (Azak, 2010: 139). برای مثال بر اساس قوانین ترکیه، حکومت موظف به حمایت و نگهداری از مساجد است. حزب عدالت و توسعه، قوانین را بسط داد تا شامل کلیساها و کنیسه‌ها نیز بشود، اما مکان عبادت علوفیان از این قوانین کنار گذاشته شده است. هرچند جامعه و فعالین علوفی، تلاش‌ها و درخواست‌هایی مبنی بر حمایت و دادن یارانه به جمع خانه‌ها از سوی دولت ارائه کردن، اما حزب عدالت و توسعه، نه تنها چنین خواسته‌هایی را رد کرد، بلکه «مصطفی البایرک»^۱ نماینده پارلمان از حزب عدالت و توسعه، چنین یارانه‌هایی را یارانه به پرستشگاه‌های شیاطین خواند. علاوه بر این، رهبری حزب عدالت و توسعه نیز هیچ‌گاه احساس صمیمی به علوفیان بروز نداده است، به‌طوری که «رحا جامو اوغلو»^۲ روشنگر علوفی که از لیست حزب عدالت و توسعه به پارلمان راه یافته بود، در سال ۱۳۸۵/۲۰۰۷ به دلیل تعصب مقامات این حزب نسبت به علوفیان استغفار داد (Cagaptay, 2014).

علاوه بر موارد فوق، جنگ سوریه و غلظت گفتارهای اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه نسبت به دولت دمشق و اقلیت علوفی حاکم بر این کشور، به تشدید بدینی‌ها نسبت به علوفیان در داخل ترکیه و تعمیق شکاف و خودآگاهی سُنی - علوفی طی سالیان اخیر انجامیده

1. Mustafa Albayrak

2. Reha Camuroglu

است. حتی مناطق هاتای (اسکندریون) که نیم میلیون عرب علوی ساکن آن هستند، در سالهای قبل شاهد تنش‌ها و تظاهرات‌هایی بر علیه کمپ‌های اپوزیسیون و آواره‌های سُنی عرب سوری، از سوی بخشی از علوی‌ها با گرایش چپ بوده است. علاوه بر این، جماعت علوی هاتای همدلی بیشتری با بشار اسد داشته و مخالف رویارویی آنکارا با رژیم دمشق بوده‌اند و تظاهرات مختلفی نیز علیه حمایت از مخالفان سوری انجام داده‌اند (Abaza & Cagaptay, 2012). «عز الدین دوغان» رئیس مهم‌ترین «بنیاد علوی»¹ چنین ابراز داشته است که ریاست امور مذاهب ترکیه، نسخه اسلام سعودی را در آغوش گرفته است. این از مهم‌ترین مشکلات ترکیه است که دولت به شکل نظاممند، فرهنگ اسلامی - عربی را بر مردم ترکیه تحمل می‌کند. آنها سعی می‌کنند تصویری منفی از اسلام علوی در ترکیه ایجاد کنند (Daloglu, 2012).



۳۲۹

۱۴. ششم اندیاز گفنهان احرار اسلام گارد مناسبات قدرت و ...

نتیجه‌گیری

اثر پیش رو با هدف بررسی مهم‌ترین احزاب اسلام‌گرای مؤثر بر ساختار سیاسی و قدرت ترکیه چنین نتیجه گرفته است که حزب عدالت و توسعه بنا به تحرکاتی که داشته است قادر گردیده است که پس از انتخابات سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ با تأسی از انگاره‌هایی همچون: نوع خوانش منحصر به فرد نسبت اسلام، نگاه دموکراتیک حزب، تلاش برای دوری از تنش و تفاوت نگرش حزب نسبت به اسلام خود، توانست خود را به عنوان یکه‌تاژ عرصه سیاست و اجتماع ترکیه به همگان معرفی نماید. تأثیرات انگاره‌هایی که ذکر شان رفت آن است که حزب عدالت و توسعه با نوع خوانش خود از اسلام به دنبال حمایت از اسلام اخوانی در مقابل اسلام شیعی است. همچنین نگاه دموکراتیک حزب عدالت و توسعه نیز موجب شده است که این حزب لائیستیه را مورد توجه خویش قرار دهد، لذا آک پارتی خود را با اصول سکولاریسم هماهنگ کرده است. تلاش حزب عدالت و توسعه برای دوری از تنش نیز راهبرد اتحاد با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را به دنبال داشته است.

البته نوع موضع‌گیری مقامات ارشد حزب عدالت و توسعه در برخی موارد همچون مقولهٔ اکراد و علوی‌ها، چالش‌های ژرفی را به دنبال داشته است. گرایش‌های اسلام‌گرایانه (سنی محورانه) رهبران حزب عدالت و توسعه و اظهارات منفی آن‌ها نسبت به علویان، به‌ویژه پس از تحولات مربوط به بحران سوریه، در کنار تداوم تبعیض علیه این اقلیت مهم، ناخرسندی بیش از پیش آن‌ها را از وضعیت موجود به همراه داشته است. با توجه به تمایل حزب عدالت و توسعه برای بازتولید قدرت از راه تأکید بر اسلام‌گرایی سنی محور، به عنوان یکی از عناصر گفتمانی سردمداران این حزب، امکان تخریب روابط فی مابین بیش از پیش وجود دارد. علاوه بر مقولهٔ علوی‌ها، رویکرد ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه که ملغمه‌ای از اسلام‌گرایی سنی محور و ملی‌گرایی تُرکی است، نه تنها درک مقامات تُرک را از ماهیت مسئلهٔ اکراد عاجز نموده، بلکه راه را برای موفقیت مذاکرات صلح با نیروهای سیاسی کُرد مسدود کرده است. بخشی از اظهارات اردوغان که در خلال مباحث ذکر شان رفت، فهم تنگ‌نظرانه مقامات ارشد حزب عدالت و توسعه را از مسئلهٔ اکراد نشان می‌دهد.



۳۳۰

لُغَةُ الْقُرْآنِ،
تَفْعِيلُهُ،
تَحْمِيلُهُ،
تَعْلِيمُهُ،
تَنْهَايَهُ،
تَحْمَارِيهُ وَرَسْتَانِهُ

۱۳۹۵

منابع و مراجع

- اشرف نظری، علی؛ سلیمی، برهان (۱۳۹۵). «حکمرانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکاف های اجتماعی در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره نوزدهم، شماره ۳.
- اکبری، نورالدین (۱۳۹۴). «قدرت یابی اسلام گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۷ تا ۲۰۰۲)»، *فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۵.
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمدرضا؛ مرندی، زهره (۱۳۹۲). «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، دوره اول، شماره ۳.
- امیدی، علی؛ احمدی نژاد، حمید (۱۳۹۷). «غیریت سازی خاکستری در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه گفتمان لاکالثو و مووفه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نوزدهم، شماره ۲، صص ۴۲ - ۲۳.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجه سروی، غلامرضا؛ رحمتی، مریم (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان»، *فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶.
- دارا، جلیل؛ کرمی، مصطفی (۱۳۹۲). «آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶.
- داوداغلو، احمد (۲۰۱۰). «عمق راهبردی»، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رسولی، رؤیا؛ ایمانی، همت (۱۳۹۴). «رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه؛ مورد ایران (۲۰۱۴ - ۲۰۰۲)»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هفتم، شماره ۲.
- سلیمانی، غلامعلی؛ عبادی، بهزاد (۱۳۹۴). «حزب عدالت و توسعه: شکاف های اجتماعی و میانجی گری سیاسی»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۲.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ فرمند، صغیری (۱۳۹۵). «کوادتای ۲۰۱۶ ترکیه و آینده سیاسی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه؛ با تأکید بر روش سناریونویسی»، *فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین‌المللی*، سال هفتم، شماره ۴۵.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ روزخوش، محمد (۱۳۹۲). «نکاتی تحلیلی و روش شناختی درباره تحلیل گفتمان (با نگاهی به پژوهش های ایران)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۲۹ - ۴.
- صالحی نجف آبادی، عباس؛ خسروی، بهنام؛ صانعی، راضیه (۱۳۹۴). «بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی و شیعه هراسی بر اساس نظریه لاکالثو و مووفه»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۲، صص ۲۰۹ - ۱۸۵.
- عبدالله، عبدالمطلوب؛ ولی زاده میدانی؛ رامین؛ پیروزفر، مهدی (۱۳۹۷). «انگاره های هویتی و تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۷.



۳۳۱

۱. نگاهی به پژوهش های ایران
۲. نکاتی تحلیلی و روش شناختی درباره تحلیل گفتمان
۳. مطالعات اجتماعی ایران
۴. اینگاره های هویتی و تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران
۵. اینگاره های هویتی و تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه؛ با تأکید بر روش سناریونویسی

علی حسینی، علی؛ عربیان، حسین (۱۳۹۶). «تحلیل ناکامی قرائت حزب عدالت و توسعه در الگو شدن برای جهان اسلام»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال بیستم، شماره ۷۹.

فلاحی، سارا (۱۳۹۴). «شبکه های ماهواره ای و تلاش برای شکست گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۱.

کسرایی، محمدسالار (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریات لاکلائو و مووہ»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۴۶.

کشاورز شکری، عباس؛ احمدوند، سمیه (۱۳۹۲). «عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست های داخلی و خارجی»، *فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست*، سال اول، شماره ۴ (پیاپی ۳۴). مشهودی، علی؛ فلاح نژاد، علی؛ فلاح، محمد (۱۳۹۷). «تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دهم، شماره ۴۰.

ناظمی اردکانی، مهدی؛ خالدیان، صفر علی (۱۳۹۷). «مؤلفه های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۸۶ - ۵۹.

نش، کیت (۱۳۸۴). «جامعه شناسی سیاسی معاصر»، ترجمه محمد متغیری دلفوز، تهران: نشر کویر. واعظی، محمود (۱۳۹۳). «امانه روایی کارآمد»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۷.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳). «دایره المعارف بزرگ اسلامی»، جلد ۱۳، مقاله بیداری اسلامی، شماره ۵۳۴۹، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.



۳۳۲

شماره ۷، نهم، چهارمین زمستان ۱۳۹۷

English Source

- Abaza, Khairi & Cagaptay, Soner (2012). "Alawites & Alevis: What in a Name?", Fikraforum, <http://fikraforum.org/?p=2764#.VIU5JXYrLIU>
- Azak, Umut (2010). "Islam & Secularism Turkey, Kemalism, Religion & the Nation State", London: I. B. Tauris & Co Ltd.
- Bahcheli, Tozun & Noel, Sid (2011). "The Justice & Development Party & the Kurdish Question", London: Routledge Studies in Middle Eastern Politics.
- Barkey, Henri & Fuller, Graham E (1998). "Turkey's Kurdish Question", Rowman & Littlefield Publishers. INC.
- Cagaptay, Soner (2014). "Islam, Secularism & Nationalism in Modern Turkey, Who is a Turk?" London & New York: Routledge.
- Dabirimehr, Amir & Tabatabaei Fatmi, Malihe (2014). "Laclau & Muffles Theory of Discourse", Journal of Novel Applied Sciences.
- Daloglu, Tulin (2012). "Turkish Alawites Face Prejudice, Pressure by State", <http://www>.



۳۳۳

ششم انداز گفتمان احزاب اسلامی در مناسبات قدرت و ...

- al-monitor.com/pulse/originals/2012/al-monitor/alewites-turkey-syria.html
- Eligur, B (2014). "The Mobilization of Political Islam in Turkey", Cambridge University Press, New York.
- Fikir, Zamani (2010). "Zengin Dahazengin Yoksul daha Yoksul olurken", gelen demokrasi.
- Isgandarova, N (2014). "Fethullah Gulen's Thought & Practices ad an Attempt to Reconcile Islam with Secularism", Journal of Philosophy & Theology.
- Keyman, F (2007). "Turkey ve Radical Democracy: Modern Zamanlarda Siyaset ve Democratic Yonetim", Istanbul: Baglam Yayinlari.
- Laclau, E (1990). "New Reflection on the Revolution of our Time", London: Verso.
- Laclau, Ernesto & Mouffe, C (2002). "Recasting Marxism in James Martin: Antonio Gramsci", Assessment if Leading Political Philosophers.
- Mac Donald, D. B (2012). "Imperial Legacies & Neo – Ottomanism: Eastern Europe & Turkey", Insight Turkey.
- Salivan, Martin (2208). "Turkey & Israel's Relationship in the Middle East", Mediterranean Quarterly, at: http://wwwmq.dukejournals.org/cgi/pdf_.
- Yavuz, Hakan (2003). "Islamic Political Identity in Turkey", Oxford University Press.

به این گونه ارجاع دهید:

DOI: 10.21859/priw-090413

عبداللهی، عارف؛ حاتمی، محمدرضا؛ رهبر، عباسعلی (۱۳۹۸)، «چشم انداز گفتمان احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت (مطالعه موردی: ترکیه)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س. ۹، ش. ۴، زمستان ۹۸، صص ۳۱۱-۳۳۳.